

## نوسندگان-۱-م



در تحقیق منتهی منتشر منم، تعداد از نویسندگان عرب درباره تجربه‌ها خاص خود موند و آن بار درباره روار و آنها با خودش به سخن دقیق‌تر فر خودش در دوره به دلای متناقض، بسار از نویسندگان با آن درر مشوند. خوشبختانه نوسندانه دست به خودش زده‌اند در تاریخ ادبیات ما به دلایل زاد بسار اند شمارند و شاد دو عامل دذ و اجتماع در رأس آنها قرار مرنند؛ خودش حرام است به تبعات اجتماع زاد برا خانواده فرد خودش ننده به همراه ما آورد. شاد «مشتان و نهان شدن» ه شتر در باره شان نوشتیم و تعدادشان بشتر است خود به نوع در از خودش دست مزنند... خودش ادب، ه از نظر دذ و اجتماع طئن سبتر نسبت به نابود ساختن جسم با شل ترا طناب داشته باشد

اما تاریخ ادبیات جهان راز نوسندانه است ه به دلایل مختلف و اه تو در تو دست به خودش زده‌اند. در نمونه‌ها بسار و دستم در ظاهر، ناتوان از نوشتن از آنهاست ا انه نوشتن در نم‌تواند به عنوان جازن خودش دست آنها را برد آن طور ه خوشبختانه با شرت نندان در آن وهش ن رده است

خودش در همه ونه هاش، ز جز بان انسان در تحقیق بخشیدن به خوش نست آنونه ه مخواهد

ارنست همینو ه با المل «نوبل» تاجدار شده بود در سن شصت و دوسال با شل تر در سر خودش ردون در توان نوشتن نداشت. نم‌توانست بنوسد، علرغم انه به ما توصیه مرد ننوسم مر در زمانه متوانم ن ار بنم و ش از او رله شاعران را نصحت رد ننوسند مر انه احساس نند ار ننوسند مرنند. اش بسار از شاعران به خصوص ما شاعران عرب ان ند را آوزه وش خود مردم

نوشتن بر آزاره اوزه اتالا تنها ابزار دفع شیخ خودش بود آن طور ه منتقد امرا جان تالور مود. اما او در نهات در سن هل و دوسال دست به خودش زد. فرنمنم او خودش ردون نم‌توانست بنوسد بله ن ردون در نم‌توانست آن طور ه دوست داشت بنوسد؛ به روشه هومر و دانته و شسر نوشتند

خلل حاو لبناذ، آنده از نمادها اسطوره‌ها و فرهنگ، در ماهت و جوهر از انزه‌ها اوزه دور نبود. او را تصور منم ه س از تجاوز اسرئل به لبناذ در سال 1982 هر روز ان رسش‌ها از خود مرسد؛ طور متوانم هم‌ارز با رنج ان تجاوز به شور م بنوسم... نوشتنه به سطح حماسه برسد؛ ونه ممن است در برابر روداد ن هولنا ه از نظر تراد دستم از ترادها و ناذ ندارد، از ان سطح ان تر باد؛ بسار درباره حمله به بروت شعر نوشتند، اما مانند ف رو آب رفتند. حاو به نظرم بر اساس نوشته‌ها نذشته و شخصیت و درر هاش با خود و واقعت، ز در مخواست... نوشتند در. آا محقق شدن ن نوشتن متوانست جا خودش را برا حاو برد؛ ان رسش فرض باق مماند. رسش‌ها مال را در باره نوشتن، همشه رسش نوسندان بزراست، رسش‌ها ه آتش به جان هولدر ن زد تا حدود سه سال را در تمارستان بذرانند. به روش خودش م وور شد. و همین رسش‌ها بوده رامبو را واداشت از شعر به تجارت سلاح به من برزد. به روش رامبو خودش رد

نمونه ورجنا وولف تفاوت نذاند با ان نداشت. هره در توان داشت از زند شد، اما رسش‌ها نوسند بر جا ماندند و «اتاق تنها» تنها دغدغه‌اش بود. وقت از

از زندنامه سلوات و ش از خانتها شوهر شاعرش تد هوز ه متهم به ان شد در خودش او نقش داشته، با موجها افسرده رفتارشان شده بود آشنا دارم، ون نمتوانست بنوسد. بار هوز به اوقت: آا آن درخت باغه خانه را مبنه؟ خوب به آن خره شو... و بنوس! نتوانست. مخواست در باره درخت بزړ هست بنوسد. بعد خودش رطنن از راه رسد... در فراز

همه بهانهها در ه شت خودش نوسندان حقه وجود دارند، فقط وب برتاند. نوسند بزړ، امر

منبع: الشرق الاوسط فارس